

حزن ممدوح از نگاه دین اسلام در آیات و روایات

محمد عالیوند*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۶

چکیده

تبیین دقیق حد و مرز اندوه یکی از ضرورت‌های جامعه اسلامی است که نقش مهمی در سلامت روح و درون انسان دارد و این حقیقت، پژوهش در مورد آن را ضروری می‌نماید، مسأله اصلی تحقیق بررسی حزن ممدوح از دیدگاه اسلام با توجه به آیات و روایات است. در قرآن کریم، حزن و مشتقات آن ۴۲ بار به کار رفته است. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی و در استفاده از ابزار تحقیق به روش تحقیق کتابخانه‌ای انجام گرفته است و بر آن است تا ضمن پرداختن به مبحث شناخت حزن به بیان انواع حزن در حیطه‌های مختلف از نظر آیات و روایات بپردازد، در قرآن و روایات حزن در خصوص امور معنوی مخصوصاً دعا و مناجات و گریه برای مصیبت اهل بیت عصمت و طهارت(ع)، و یادآوری آخرت توصیه شده است و آن را موجب صفای قلب دانسته و به همراه حزن حالتی را در انسان ایجاد می‌کند که ما از آن به حزن فرح بخش تعبیر می‌کنیم.

کلیدواژگان: حزن پسندیده، حزن سنخیتی، حزن آخرت، رضایت الهی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش گرایش تعلیم و تربیت اسلامی.

مقدمه

از آنجایی که «تعالیم دینی» و آنچه به نام «مطلوبات خدا» در جوامع دینی عرضه می‌شوند، از توان تأثیر فراوانی برخوردارند. هرگونه رویکردی در این خصوص می‌تواند فرهنگ جامعه را دچار تحولات مثبت یا منفی کند و در نهایت جامعه‌ای بانشاط و امیدوار یا جامعه‌ای افسرده و نومید پدید آورد. بدیهی است که نشاط و امیدواری، موجب تلاش و فعالیت مثبت و رشد و توسعه، و افسردگی و نومیدی سبب انحراف و خمودگی جامعه از نظر مادی و معنوی می‌شود. خنده و گریه و شادی و حزن نقش بسزایی در سلامت و یا عدم سلامت جسمی و روانی انسان داشته و مکمل رفتار انسان در جهت کسب سعادت و یا شقاوت اخروی وی می‌باشند؛ و در نهایت سرنوشت جامعه انسانی را رقم می‌زنند، و شناخت انواع آن‌ها در حیطه‌های مختلف، آثار مثبت و منفی آن‌ها و موارد حسن و قبح و حد و مرز آن‌ها تکلیف ما را در چگونگی استعمال این مواهب الهی معین خواهد ساخت. این مقاله بر آن است تا ضمن پرداختن به معنای حزن، حزن ممدوح در اسلام به بیان این حزن، در آیات و روایات بپردازد.

پیشینه تحقیق

- ۱- پایان نامه «بررسی مفهوم ضحک و بکاء و حزن و فرح از منظر قرآن و روایات»، عبدالرضا امیدی نقلبری، کارشناسی ارشد، رشته الهیات و معارف اسلامی، دی ماه ۱۳۹۲، استاد راهنما: سیدمحسن میرباقری، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
- ۲- مقاله «مفهوم شناسی قرائت قرآن کریم همراه با حزن با رویکردی انتقادی»، محمد رسول آهنگران، محمد رضا محمودی، پژوهشنامه ثقلین، دوره ۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳

معنای حزن

حزن در لغت به معنای غم و اندوه است (قرشی، ۱۳۵۴: ۲۲/۲). حزن در «فرهنگ لغت عمید» (بضم حا و سکون زا یا بفتح حا و زا) به معنای اندوه و دلتنگی آمده است (عمید، ۱۳۵۸: ۵۰۱). راعب/صفهانی می‌گوید حزن در اصل به معنای زمین سخت

است و با توجه به اینکه غم و اندوه نوعی سختی و گرفتگی درونی است، بدان حزن می‌گویند (راغب اصفهانی، ۱۳۳۲: ۱۱۴).

حُزْن و حَزَن در لغت به معنای زمین سخت و ناهموار و نیز به معنای سختی و خشونت است که در نفس پدید می‌آید و به این اعتبار به معنای همّ و غم و اندوه شدیدی است (طریحی، ۱۳۶۲: ۲۳۱/۶) که بر اثر وقوع امری ناخوشایند یا فقدان و از دست رفتن امری مطلوب و خوشایند حاصل می‌شود (جرجانی، ۱۳۱۴: ۱۰۰/۱).

مرحوم نراقی در معنای حزن می‌گوید: «حزن، عبارت است از حسرت و ناراحتی برای از دست دادن محبوب یا از دست رفتن مطلوب» (نراقی، ۱۳۹۴: ۲۱۳/۳).

حال اگر حزن بر مطلوب معنوی و ارزشی باشد، حزن مثبت است و اگر بر مطلوب مادی باشد، حزن، منفی خواهد بود (نراقی، ۱۳۶۲: ۵۸۳).

حزن در اصطلاح عرفانی، حالت قبضی است که قلب سالکان را از پراکنده شدن در وادی‌های غفلت باز می‌دارد (بقلی، ۱: ۶۳۴/۱۳۶۰ و انصاری، ۱۴۰۸: ۴۸ و قشیری، ۱۴۰۸: ۱۳۸/۱). همچنین گفته شده که حزن، اندوه و تأسف قلب برای چیزی است که از دست رفته یا بدست آمدنش ناممکن است. در طریقت، حُزْن تأسف بنده برای از دست دادن کمالات و اسباب و مقدمات کمال است (اسنوی، ۱۳۱۰: ۱۹۸/۲ و کاشی، ۱۳۷۹: ۲۳۵/۱).

حزن‌های پسندیده

آنچه در نگاه نخست، تعجب برانگیز است، روایاتی است که نوعی از حزن را ستوده و آن را لازمه کمال ایمان و تقوا شمرده است.

از بررسی روایات مختلف، این نکته استفاده می‌شود:

از نگاه اهل بیت: حزن ممدوح نتیجه یقین است و به معرفت دینی وابسته می‌باشد و در راستای دستیابی به اهداف عبادی مثل تقرب، تقوا و رضایت الهی است در این رویکرد مؤمن نه تنها حزن خویش را مخفی نگاه می‌دارد بلکه در مباشرت با دیگران گشاده‌رو است. اساساً بخشی از غم مؤمنان به سبب آن است که نمی‌دانند آیا مطابق رضای الهی زندگی کرده‌اند یا نه؟

اولین فایده این غم، حرکت در راستای زدودن عوامل آن است، در مورد حضرت یونس علیه السلام، قرآن کریم می‌فرماید:

﴿فنادى فى الظلمات أن لا اله الا أنت سبحانك انى كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك نُنجى المؤمنين﴾ (انبیاء / ۸۸)

غم به خودی خود هیچ ارزشی ندارد؛ بلکه بسته به علت آن، ارزشگذاری می‌شود. اگر علت آن، دنیاگرایی، شک و تردید، حسادت، کینه و حسرت و... باشد، غم ایجادشده نیز مطلوب نیست؛ اما اگر علت این غم، اهتمام شخص به آینده ایمانی و آخرتی خود باشد، غم پسندیده و حتی مورد توصیه دین می‌باشد.

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «علیکم بالحزن فإنه مفتاح القلب مصباح القلب» (پاینده، ۱۳۹۲: ۱۹۷۱): خویشتن را محزون نگه دارید، زیرا حزن کلید قلب و درون انسان است. حُزن در این رویکرد، مثبت و همان وجد است. وجد عبارت است از لهیبی که در قلب پدید می‌آید و از شوق و اشتیاق ریشه می‌گیرد و در نتیجه، اعضا و جوارح آدمی مضطرب می‌شود(ری شهری، ۱۳۸۴: ۱۵۶).

حزن آخرت

یکی از غم‌های سازنده، غم آماده نبودن برای سفر آخرت است. امام صادق(علیه السلام) مردی را دید که در سوگ فرزندش، سخت بیتابی می‌کرد. به او فرمود: «یا هذا! جزعت للمصيبة الصغرى وغفلت عن المصيبة الكبرى لو كنت لما صار اليه ولدك مستعداً لما اشدت عليه جزعك فمصائب بترکک الاستعداد له اعظم من مصابك لولدك» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۵/۲): ای شخص داغدیده به خاطر مصیبت کوچک‌تر بیتابی می‌کنی و از مصیبت بزرگ‌تر، غفلت داری، اگر برای آن راهی که فرزندت بدان راه رفت، آماده بودی، هرگز برای او این چنین بیتابی نمی‌کردی و عدم آمادگی تو برای آن سفر، مصیبتش بزرگ‌تر است از مصیبت از دست دادن فرزندت.

بنابراین یکی از غم‌های شایسته غم آخرت است. علی(علیه السلام) در قسمتی از نامه‌اش به عبدالله بن عباس می‌فرماید: «فلیکن سرورک بما نلت من آخرتک ولیکن أسفک علی ما فاتک منها» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: نامه ۲۲): باید خوشحالی تو از چیزی

باشد که در طریق آخرت نایل شده‌ای و تأسف تو باید از اموری باشد که مربوط به آخرت است و تو از آن‌ها محروم شده‌ای. خلاصه اینکه غم تو باید برای محرومیت‌های معنوی و اخروی باشد.

انسان‌های عاقل به دلیل عقل و معرفت به واقعیت جهان آخرت و قصور و نقصیرهای خود از کردار خویش ناراحت و غمگین‌اند.

بر همین اساس است که می‌بینیم پیامبر اسلام(ص) دنیا را برای مؤمن به منزله زندان او و برای کافر به منزله بهشت او معرفی کرده و می‌فرماید: «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ، وَمَا أَصْبَحَ فِيهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا حَزِينًا، فَكَيْفَ لَا يَحْزَنُ الْمُؤْمِنُ وَقَدْ أَوْعَدَهُ اللَّهُ أَنَّهُ وَارِدٌ جَهَنَّمَ وَلَمْ يَعِدْهُ أَنَّهُ صَادِرٌ عَنْهَا... فَلَا يَزَالُ حَزِينًا حَتَّى يَفَارِقَهَا فَاذَا فَارَقَهَا أَفْضَى إِلَى الرَّاحَةِ وَالْكَرَامَةِ» (طبرسی، ۱۳۵۸: ۳۶۷/۲): ای ابادر! دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است و مؤمن در آن، شب را با غم به صبح می‌رساند. چگونه غمگین نباشد حال آنکه خداوند وعده ورود به جهنم را به او داده، ولی وعده خروج را نداده است... پس همیشه در دنیا اندوهناک است تا از آن جدا شود و وقتی جدا شد به سوی راحتی و بزرگی می‌رود.

حزن از دست دادن استعدادها و سرمایه‌ها

آنگاه که انسان به ضعف، کاستی و ذلت خویش واقف گردد، قلبی محزون می‌یابد. کسی که به دنبال خداست، می‌تواند او را در این لحظه بیابد. بنابراین نمونه دیگر از حزن ممدوح، قلب‌های حزین و دل‌های شکسته است. از رسول خدا(ص) پرسیدند: خدا کجاست؟ فرمود: «عِنْدَ الْمُنْكَسِرَةِ قُلُوبُهُمْ»: نزد شکسته‌دلان (مجلسی، بی تا: ۱۵۷/۷۳).

اگر غم و غصه، زمینه تلاش و کوشش باشد، می‌تواند ممدوح باشد؛ چنانچه علی(ع) فرمود: «مَنْ كَثُرَ هُمُومُهُ عُلْتُ هِمَّتُهُ»: هر کس غم و غصه زیادی داشته باشد، همتش بلند می‌شود (مجلسی، بی تا: ۲۶۰/۷۲).

یکی از غم‌های مقدس، غم از دست دادن سرمایه عمر و هدر رفتن وقت‌هاست. در روایتی از امام سجاد(علیه السلام) نقل شده که فرمودند: «بَنِي آدَمَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِثْلَ مِصِيبَتِ النَّبِيِّ إِذْ دَخَلَ بَيْتَهُ يَوْمَ الْفَتْحِ» (بنی آدم در هر روز سه مصیبت دارد که از آن‌ها عبرت نمی‌گیرد و اگر عبرت بگیرد، تحمل مصایب و مشکلات دنیا بر او آسان می‌شود. مصیبت اول او این است که هر روز از عمرش کاسته می‌شود

ولی ناراحت نیست، در حالی که اگر نقصانی در مالش وارد شود، غمگین می‌شود با اینکه مال دوباره به دست می‌آید اما عمر دیگر به دست نمی‌آید.

دوم اینکه: روزی‌اش را کاملاً می‌گیرد، اگر حلال باشد حساب می‌شود و اگر حرام باشد عقاب می‌گردد و او به فکر حساب نیست. سومین مصیبت - که از همه آن‌ها مهم‌تر است - این است که: هر روزی که از عمرش می‌گذرد، یک مرحله به آخرت و قیامت نزدیک می‌شود و او نمی‌داند اهل بهشت است یا جهنم (ری شهری، ۱۳۸۴: ۳۷/۶ و ۴۲۵/۵).

پس اگر غم و اندوه برای از دست دادن فضیلتی عقلی و کمالی الهی باشد، فضیلت است؛ زیرا همین غم و اندوه، زمینه را برای تدارک فضیلت از دست رفته فراهم می‌کند.

حزن فقر و گرفتاری دیگران

یکی از نشانه‌های مؤمن متأثر شدن از غم فقر و گرفتاری دیگران است. چنین کسی چون خود را بخشی از پیکره اجتماع می‌داند خویشتن را در برابر سرنوشت آن، مسئول می‌شناسد. از این رو همواره اندوهناک و نگران است، اما این نگرانی عمیق او با نگرانی‌های روزمزه و حقیر، بسیار متفاوت است. حضرت علی (علیه السلام) از دیدن رنج و زحمت مردم، متأثر می‌شد و می‌فرمود: «ءاقنع من نفسی بأن یقال أمیر المؤمنین ولا أثارکهم فی مکاره الدهر» (مجلسی، بی تا: ۴۳۷/۳۳): آیا به همین مقدار قانع باشم که به من امیر المؤمنین بگویند و پس! اما با آنان در سختی‌های روزگار شرکت نکنم و پیشوا و مقتدایشان در تلخی‌های روزگار نباشم.

خداوند در قرآن می‌فرماید انبیاء الهی از گمراهی و نادانی مردم رنج می‌بردند:

﴿فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا﴾ (کهف / ۶)

«گویی می‌خواهی به خاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی

اگر به این گفتار ایمان نیاورند»

خداوند در این آیه به یکی از مهم‌ترین شرایط رهبری که همان دلسوزی نسبت به امت است اشاره کرده، می‌گوید: «گویی می‌خواهی به خاطر اعمال آنان خود را از غم و اندوه هلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۰۷/۶).

حزن شکست‌های مسلمین

یکی از غم‌های پسندیده، غم شکست مسلمانان است. یکی از این غم‌ها، غم مسلمانان در جنگ احد بود که به دنبال نافرمانی از پیامبر(صلی الله علیه و آله) روی داد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

﴿اِذْ تَصْعَدُونَ وَلَا تَلَوْنَ عَلٰی اِحْدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِيْ اٰخِرِكُمْ فَاْتَابَكُمْ غَمًّا بَعْغًا...﴾ (آل

عمران / ۱۵۳)

«به یاد آرید هنگامی که روی به هزیمت گذاشته و چنان به دهشت می‌گریختید که توجه به احدی نداشتید تا آنجا که پیغمبر هم که شما را به یاری دیگران در صف کارزار می‌خواند، توجه نکردید تا به پاداش این بی‌ثباتی، غمی بر غم شما افزود»

امروز نیز مسلمانان واقعی نمی‌توانند در برابر شکست‌ها و آشفتگی امور مسلمانان و قتل و غارت کشورهای اسلامی بی‌تفاوت باشند و درد و غم مسلمانان را درد و غم خود ندانند.

حزن‌های سنخیتی

گاهی غم و اندوه، به طور مبهم به انسان دست می‌دهد، مثلاً انسان می‌گوید دلم گرفته، می‌خواهم گریه کنم، نمی‌دانم چرا شاد نیستم و...؛ شاید یکی از علل این نوع از غم‌ها، مسأله سنخیت افراد است که حزن و غمشان یکی می‌شود، مانند مادری که با خنده فرزند، می‌خندد و با گریه او محزون می‌شود و گاهی با فاصله مکانی، چنین حزنی برای انسان ایجاد می‌شود.

خداوند در سوره مبارکه توبه آیه ۱۲۸ می‌فرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِيْنَ رَؤُفٌ

رَحِيْمٌ﴾

«همانا پیامبری از خودتان به سوی شما آمده است که آنچه شما را برنجاند بر او سخت است، بر هدایت شما حریص و دلسوز، و به مؤمنان رؤوف و مهربان است»

«مِنْ أَنْفُسِكُمْ» (از خودتان) اشاره به شدت ارتباط پیامبر صلی الله علیه و آله با مردم دارد، گویی پاره‌ای از جان مردم و روح جامعه در شکل پیامبر صلی الله علیه و آله ظاهر شده است که در تحریک عواطف مردم و جلب احساساتشان اثر عمیق دارد «هرگونه ناراحتی و زیان و ضرری به شما برسد برای او سخت ناراحت کننده است» (عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ) و به شدت از رنج‌های شما رنج می‌برد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۲۶۸/۲).

بنا بر تفسیر این آیه درمی‌یابیم بندگان خداوند و مؤمنان با هم سنخیت دارند و حتی رهبران و پیامبران مردم در وقت گرفتاری با آن‌ها همدل می‌شوند.

در روایت دیگر می‌توان اندوه و حزن سنخیتی را مشاهده کرد آنجا که جابر جعفی می‌گوید: در محضر امام صادق (علیه السلام) بودم که ناگهان حالت گرفتگی و حزن پیدا کردم. به حضرت عرض کردم: قربانت گردم! چه بسا بدون دلیل محزون می‌شوم به طوری که خانواده و دوستانم از چهره‌ام می‌فهمند که غمگین هستم. حضرت فرمود: بله ای جابر! خداوند مؤمنین را از طینت بهشتی آفریده و با هم سنخیت دارند؛ اگر یکی از آن‌ها محزون شود، دیگری هم محزون می‌شود (مجلسی، بی تا: ۲۵۶/۷۴ و ری شهری، ۱۳۸۴: ۲۰/۲).

حزن به جهت از دست دادن نیکی‌ها

از دست دادن نیکی‌ها و فرصت‌ها برای انجام اعمال شایسته برای انسان مؤمن حزن‌آور است. چنانچه امام علی (ع) می‌فرماید: همانا از دست دادن فرصت‌ها اندوه است (آمدی، بی تا: ۴۷۴).

هرگونه غفلت انسان نسبت به جایگاه خویش و خدا و نقش پروردگار عامل مهمی است که حسرت و اندوه را در قیامت موجب می‌شود. به این معنا که انسان پس از مرگ و هنگامی که چشمانش به سوی حق و حقیقت گشوده شود و به حکم الهی تیزبین گردد و قیامت و حقیقت خویش را به روشنی ببیند آنگاه است که فریاد و احسرتا برمی‌دارد و از اینکه فرصت‌ها و نعمت‌های بسیاری که به وی ارزانی شده بود را از دست داده و از آن به خوبی بهره‌مند نگشته است اندوهگین می‌شود. از این روست که روز قیامت روز حسرت نامیده شده است (طبرسی، ۱۳۵۸: ۱۴۰/۱۵).

﴿وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (مریم / ۳۹)

«آنان را از روز حسرت که کار به پایان آمده و آنان همچنان در حال غفلت

و بی ایمانی هستند بترسان»

خداوند در این آیه می‌فرماید در این روز هم نیکوکاران تأسف می‌خورند که ای کاش
بیش‌تر عمل نیک انجام داده بودند و هم بدکاران چراکه پرده‌ها کنار می‌رود و حقایق
اعمال و نتایج آن بر همه کس آشکار می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۴۸/۹).

حزن به جهت مصائب ائمه

یکی از غم‌های شایسته محزون بودن در حزن ائمه معصومین (علیه السلام) می‌باشد.
امام صادق (علیه السلام) فرمود: «نفس المهموم لظلمنا تسبیح وهمه لنا عبادة» (مجلسی،
بی تا: ۲۷۸/۴۴ و حر عاملی، ۱۳۶۴: ۳۹۳/۵): نفس محزون به جهت ظلمی که به ما اهل
بیت شده، تسبیح و غصه‌اش برای ما عبادت محسوب می‌شود.

امام صادق (ع) می‌فرماید: کسی که بر ما غمگین و از ظلم بر ما اندوهگین شود، نفس
کشیدن او تسبیح و غم او برای ما عبادت است (آمدی، بی تا: ۱۴۰۳).

امام رضا (ع) به ریان بن شیبی فرمود: «ان سرک أن تكون معنا فی الدرجات العلی
فاحزن لحزننا وافرح لفرحنا» (مجلسی، بی تا: ۲۶۸/۴۴): اگر دوست داری در درجات
عالیه بهشت با ما باشی، محزون باش به حزن ما و شاد باش به شادی ما.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «ان الله اختار لنا شیعة ینصروننا ویفرحون بفرحنا
ویحزنون لحزننا» (آمدی، بی تا: ۲۳۵/۱): خداوند برای ما، شیعیان و پیروانی برگزیده
است که ما را یاری می‌کنند. با خوشحالی ما خوشحال می‌شوند و در اندوه و غم ما،
محزون می‌گردند. یعنی در ایام حزن اهل بیت (ع) باید محزون بود و گریست و مصیبت
آن‌ها را بیان کرد؛ همانگونه که با شادی اهل بیت (ع) شاد می‌شویم.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «کل الجزع والبكاء مکروه سوی الجزع والبكاء علی
الحسین (ع)» (مجلسی، بی تا: ۲۷۹/۴۴): هر نالیدن و گریه‌ای مکروه است، مگر ناله و
گریه بر حسین. اگر گریه و حزن برای امام حسین (علیه السلام) در مسیر طبیعی خود
حرکت کند، به افراد جامعه نیروی لازم را برای احیای اهداف امام حسین (علیه السلام)

می‌دهد؛ لذا این نوع حزن با توجه به مقدمات ذکرشده، نه تنها اشکال ندارد، بلکه پسندیده نیز است.

حزن دلسوزانه و مشتاقانه به مردم

خداوند می‌فرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾
(التوبه/ ۱۲۸ و ۱۲۹)

«هر آینه پیامبری از خود شما بر شما مبعوث شد، هر آنچه شما را رنج می‌دهد بر او گران می‌آید سخت به شما دلبسته است و با مؤمنان رؤوف و مهربان است* اگر بازگردند بگو: خدا برای من کافی است، خدایی جز او نیست، بر او توکل کردم و اوست پروردگار عرش بزرگ»
پس پیامبر و معصومین (ع) هم حزن و اندوه دارند که این یک حزن و اندوه خاص است که در راستای بندگی خدا و یکی از مصادیق یاد خداست.

پیامدهای حزن و اندوه پسندیده

عناوینی که می‌توان از آن‌ها به عنوان تبعات و پیامدهای حزن و اندوه پسندیده یاد کرد، عبارت‌اند از:

۱. ترس و یاد قیامت

خداوند در بسیاری از آیات قرآن حزن و گریه از ترس قیامت را مورد تشویق قرار می‌دهد و ترک آن را سرزنش می‌کند؛ زیرا از نظر قرآن، انسان می‌بایست نسبت به آینده خود هراسان باشد و زندگی‌اش را به بطالت و بیهودگی نگذراند.

خداوند در سوره مبارکه مائده می‌فرماید:

﴿وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾ (المائده/ ۸۳)

«چون آنچه را که بر پیامبر نازل کرده‌ایم، بشنوند و حقیقت را دریابند، چشمانشان پر از اشک می‌شود. می‌گویند: ای پروردگار ما، ایمان آوردیم ما را نیز در زمره شهادت دهندگان بنویس»

و سوره مبارکه مریم می‌فرماید:

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْتَنَا وَاجْتُنِبْنَا إِذْ اتَّسَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا﴾ (مریم / ۵۸)

«اینان گروهی از پیامبران بودند که خدا به آنان انعام کرده بود، از، فرزندان آدم و فرزندان آنان که با نوح در کشتی نشان‌دیم و فرزندان ابراهیم و اسرائیل و آن‌ها که هدایت‌شان کردیم و برگزیدیم‌شان و چون آیات خدای رحمان بر آنان تلاوت می‌شد، گریان به سجده می‌افتادند»

شخص با تلاوت این آیات و آگاهی به وضعیت کنونی و آینده خود و باور به این حقایق قیامتی، در خوف و رجا به سر می‌برد و اشک از دیدگانش جاری می‌شود. حزن و اندوه به شوق خداوندی و ترس از عذاب و قیامت، از نشانه‌های ایمان است.

۲. جلب محبت اهل بیت

خداوند در سوره مبارکه شورا آیه ۲۳ می‌فرماید دوستی خاندان رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع) را بر مسلمانان واجب کرده است.

﴿ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾

«این است آن چیزی که خدا آن گروه از بندگان را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، بدان مژده می‌دهد بگو: بر این رسالت مردی از شما، جز دوست داشتن خویشاوندان، نمی‌خواهم و هر که کار نیکی کند به نیکویی‌اش می‌افزاییم، زیرا خدا آمرزنده و شکرپذیر است»

و در آیه ۲۹ سوره مبارکه هود می‌فرماید:

﴿وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَا لَانِ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَأُوا قُورَيْبِهِمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ﴾

«ای قوم من، در برابر تبلیغ رسالت خویش مالی از شما نمی‌طلبم مزد، من تنها با خداست آن‌هایی را که ایمان آورده‌اند از خود نمی‌رانم، آنان با پروردگار خویش دیدار خواهند کرد ولی می‌بینم که شما مردمی نادان هستید»

یکی از مهم‌ترین لوازم دوستی، همدردی و همدلی با دوستان در مواقع سوگ یا شادی آنان است (ری شهری، ۱۳۸۴: ۱۶۹-۱۷۰). از این رو در احادیث، در برپایی جشن و سرور در ایام شادی اهل بیت (ع) و ابراز حزن و اندوه در مواقع سوگ آنان، تأکید فراوان شده است.

حضرت علی (ع) در روایتی می‌فرماید: شیعه و پیروان ما در شادی و حزن ما شریک‌اند؛ «يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا» (مجلسی، بی تا: ۲۸۷/۴۴).
امام صادق (ع) نیز فرمودند: «شيعتنا جزءٌ منّا خلقوا من فضل طينتنا يسوؤهم ما يسوؤنا ويسرهم ما يسرنا»؛ شیعیان ما پاره‌ای از خود ما بوده و از زیادی گل ما خلق شده‌اند؛ آنچه که ما را بدحال یا خوشحال می‌سازد، آنان را بدحال و خوشحال می‌گرداند (شیخ صدوق، ۱۳۷۶: ۳۰۵).

۳. ثواب عبادت

در روایات اسلامی برای حزن و اندوه و گریه و اشک ارزش خاصی بیان شده و روایات بسیاری درباره حزن و گریستن و ثواب و پاداش آن وارد شده است.
امام صادق (ع) فرمود: «من دمع عينا فينا دمع لدم سفك منا، او حق لنا نقصناه او عرض انتهك لنا»: کسی که قطره اشکی درباره ما بریزد، به خاطر خونی که «لأحد من شيعتنا بوأه الله تعالى بها في الجنة حقا»: از ما ریخته شده و یا حقی که از ما غصب شده است و یا آبرویی که از ما هتک شده است و... خداوند در قبال این اشک سالیان دراز او را در بهشت جای می‌دهد (شیخ صدوق، ۱۳۷۶: ۱۷۵).
امام صادق (ع) می‌فرماید: «نزدیک‌ترین حالت بنده نسبت به پروردگار عز و جل، حالتی است که او را در سجده گریان می‌بیند» (کلینی، ۱۳۹۰: ۱۵۷/۲).

امام باقر(ع) می‌فرماید: «هیچ قطره‌ای نیست که نزد خدای عز و جل محبوب‌تر باشد از قطره اشک در ظلمت شب که از خوف خدا باشد و غیر از جانب او منظوری نباشد» (همان). در دعای مأثور آمده است: «وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَمِنْ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ»: پناه می‌برم به تو از قلبی که خاشع و چشمی که اشکبار نباشد» و در دعای ابوحمزه ثمالی نیز آمده است: «واعنی بالبكاء علی نفسی»: و مرا به گریه به حال خود یاری کن». امام صادق(ع) می‌فرماید: «اگر اشک چشمی نداشتی برای گریستن، حالت تباکی و حزن و اندوه داشته باش» (عسکری، ۱۳۹۵: ۶۷/۲۱).

۴. تواضع و فروتنی انسان در برابر خدا

از دیگر زمینه‌های حزن پسندیده و گریه می‌توان به تواضع و فروتنی آدمی در برابر خداوند اشاره کرد. انسان‌های فروتن که تکبر و استکباری ندارند، هنگام شنیدن آیات قرآن و آگاهی از حقایق و حیانی، بی‌اختیار به گریه می‌افتند و اشک از دیدگان‌شان روان می‌شود. برخوردار از نعمت‌های ویژه الهی و توجه خاص خداوند، زمینه ساز حزن همراه با سجود افراد می‌شود.

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْتَنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذْ تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَكَبَّرُوا﴾ (مریم / ۵۸)

«اینان گروهی از پیامبران بودند که خدا به آنان انعام کرده بود، از، فرزندان آدم و فرزندان آنان که با نوح در کشتی نشانیدیم و فرزندان ابراهیم و اسرائیل و آن‌ها که هدایتشان کردیم و برگزیدیم‌شان و چون آیات خدای رحمان بر آنان تلاوت می‌شد، گریان به سجده می‌افتادند»

اینکه شخص ببیند که مورد توجه خاص خداوند قرار گرفته است، بسیار متأثر می‌شود و این تأثر را به صورت اشک و سجده به نمایش می‌گذارد.

محرومیت از امری که فرد دوست دارد و بدان علاقه‌مند است مثل جهاد و شهادت عاملی برای روان شدن اشک از دیدگان و شکستن دل و قلب می‌باشد که در آیه ۹۲ سوره توبه به آن اشاره شده است.

﴿وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يَنْفِقُونَ﴾ (توبه / ۹۲)

«و نیز بر آنان که نزد تو آمدند تا ساز و برگ نبردشان دهی و تو گفتی، که ساز و برگی ندارم و آن‌ها برای خرج کردن هیچ نیافتند و اشک ریزان و محزون بازگشتند، گناهی نیست»

نتیجه بحث

از بررسی آیات و روایات مختلف، این نکته استفاده می‌شود: از نگاه قرآن و اهل بیت، حزن ممدوح مورد تأیید است، این حزن، بی هدف نیست و هدف آن، دستیابی به اهداف عبادت، مثل تقرب، تقوا و رضایت الهی است، حزن ممدوح، نتیجه یقین می‌باشد، این حزن، به معرفت و شناخت دینی وابسته است، این حزن، از روی احساس مسئولیت در قبال ظلم ظالم و حق شناسی است، نقش «کنترل» حزن بسیار قابل توجه است، شخص مؤمن باید حزن خویش را مخفی نگاه دارد و در مباشرت با مؤمنان دیگر، با رویی گشاده گفت‌وگو کند. مؤمن فقط باید برای خدا محزون باشد؛ لذا حتی مؤمنان دیگر نباید متوجه حزن او شوند. حزن او نیز نباید آسیبی به روابط با دیگران بزند؛ پس باید حزن خود را کنترل کند، تا فردی غمگین، جلوه نکند و همه می‌دانیم چنین کاری چقدر دشوار است.

حزن‌های ممدوح عبارت‌اند از حزن آخرت و حزن از دست دادن استعدادها و سرمایه‌ها و حزن دوری از امام زمان و حزن فقر و گرفتاری دیگران و حزن شکست‌های مسلمین و حزن‌های سنخیتی و حزن به جهت از دست دادن نیکی‌ها و حزن به جهت مصائب ائمه و حزن دلسوزانه و مشتاقانه به مردم. حزن ممدوح، حزن کسالت‌آور و عزلت‌آور نیست؛ بلکه محرک به سوی کسب رضای الهی است.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله. ۱۳۸۸ش، شرح نهج البلاغه، غلامرضا لایقی، تهران: کتاب نیستان.

ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۹۵ش، الخصال، ترجمه محمدعلی کوشا، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.

ابن سعد، محمد بن سعد. ۱۳۶۵ش، الطبقات الکبیر، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نو. ابن شعبه، حسن بن علی. ۱۳۹۴ش، تحف العقول، ترجمه محمدعلی کوشا، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، اداره تدوین متون ترویجی.

ابن طاووس، علی بن موسی. ۱۳۸۳ش، اللهوف، ترجمه عقیقی بخشایشی، قم: نوید اسلام.

ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت: دار صادر.

اسنوی، محمد بن حسن. ۱۳۱۰ش، حیاة القلوب فی کیفیتة الوصول الی المحبوب، قاهره: بی نا.

انصاری، عبدالله بن محمد. ۱۴۰۸ق، کتاب منازل السائرین، بیروت: بی نا.

آمدی، عبدالواحد بن تمیمی. بی نا، تصنیف غرر الحکم ودرر الحکم، تحقیق مصطفی درایتی، مکتب الاعلام الاسلامی.

بقلی، روزبهان. ۱۳۶۰ش، شرح شطحیات، ج ۱، هانری کربن، تهران: بی نا.

بیهقی نیشابوری کیدری، محمد بن حسین. ۱۳۷۴ش، مصباح الشیعة و مصباح الشریعة، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).

پاینده، ابوالقاسم. ۱۳۹۲ش، نهج الفصاحة، ترجمه کاظم عابدینی مطلق، قم: ندای دوست.

جرجانی، علی بن محمد. ۱۴۱۱ق، التعریفات، ج ۱، قاهره: بی نا.

حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۳۶۴ش، وسائل الشیعة، مترجم: علی صحت، تهران: ناس.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۳۳۲ش، المفردات فی غریب القرآن، تهران: بی نا.

ری شهری، محمد. ۱۳۸۴ش، میزان الحکمة، چاپ پنجم، بی جا: دار الحدیث.

سبحانی تبریزی، جعفر. ۱۳۸۵ش، راهنمای حقیقت، تهران: مشعر.

شریف الرضی، محمد بن حسین. ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه، قم: هجرت.

شیخ صدوق. ۱۳۷۶ش، الأمالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی.

طبرسی، علی بن حسن. ۱۳۵۸ش، مجمع البیان، ترجمه و نگارش از علی کاظمی، تهران: فراهانی.

طریحی، فخرالدین بن محمد. ۱۳۶۲ش، مجمع البحرين، تهران: بی نا.

- طیب، عبدالحسین. ۱۳۷۸ش، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات اسلام.
عسکری، سیدمرتضی. ۱۳۹۵ش، *مرآة العقول*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
عمید، حسن. ۱۳۵۸ش، *فرهنگ عمید*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
قرائتی، محسن. ۱۳۸۳ش، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
قرشی، علی‌اکبر. ۱۳۵۴ش، *قاموس قرآن*، تهران: بی‌نا.
قشیری، عبدالکریم بن هوازن. ۱۴۰۸ق، *الرسالة القشيرية*، ج ۱، زریق و بلطجی، بیروت: بی‌نا.
کاشی، عبدالرزاق. ۱۳۷۹ش، *لطائف الاعلام فی اشارات اهل الالهام*، مجید هادی‌زاده، تهران: بی‌نا.
کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۹۰ش، *اصول الکافی*، ترجمه عباس حاجیانی دشتی، قم: موعود اسلام.
مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بی‌تا، *بحار الانوار*، تهران: بی‌نا.
مظاهری، علی‌اکبر. ۱۳۸۸ش، *از اوج آسمان*، قم: پارسایان.
مقریزی، احمد بن علی. ۱۳۷۸ش، *إمتاع الأسماع بما للنبي صلى الله عليه و سلم من الأحوال والأموال*، بیروت: دار الکتب.
مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۲ش، *برگزیده تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
موسوی گرمارودی، سیدمحمدصادق. ۱۳۸۰ش، *فرهنگ فارسی عاشورا*، تهران: بی‌نا.
نراقی، احمد بن محمد مهدی. ۱۳۶۲ش، *معراج السعادة*، مشهد: ندای اسلام.
نراقی، مهدی بن ابی‌ذر. ۱۳۹۴ش، *جامع السعادات*، ترجمه کریم فیضی، قم: قائم آل محمد(ص).

Bibliography

The Holy Quran.

Nahjolbalagha

Ibn Abi Al-Hadid, Abdul Hamid Ibn Heba Allah. 2009, *Explanation of Nahjolbalagha*, Gholamreza Layeghi, Tehran: Neystan Book.

Ibn Babuyeh, Muhammad Ibn Ali. 2016, *Al-Khasal*, translated by Mohammad Ali Koosha, Qom: Dar Al-Hadith Scientific and Cultural Institute, Publishing Organization.

Ibn Sa'd, Muhammad Ben Sa'd. 1986, *Al-Tabqata Al-Kabir*, translated by Mahmoud Mahdavi Damghani, Tehran: No Publishing.

Ibn Shia, Hasan Ibn Ali. 2015, *Tahaf Al-Oghul*, translated by Mohammad Ali Koosha, Qom: Dar Al-Hadith Scientific-Cultural Institute, Department of Compilation of Extension Texts.

Ibn Tavoos, Ali Ibn Musa. 2004, *Al-Lahouf*, translated by Bakhshayeshi Aghiqi, Qom: Navid Islam.

Ibn Manzur, Muhammad ibn Mokaram. 1414 AH, Arabic language, Beirut: Dar Sader.

Snawi, Muhammad bin Hassan 1310, *Haya Al-Gholub Fi Keyfiya Al-Vosul Ela Al-Mahbub*, Cairo: Bina.

- Ansari, Abdullah bin Mohammad 1408 AH, Book of the houses of pilgrims, Beirut: Bina.
- Amadi, Abdul Wahed bin Tamimi. No date, Tasnif Gharar al-Hakam Va Dorar al-Hakam, research by Mustafa Derayati, Maktab al-Alam al-Islami.
- Baqli, Roozbehan. 1981, Explanation of Shathiyat, Vol. 1, Henry Carbon, Tehran: Bina.
- Beihaghi Neyshaburi Keidari, Mohammad Ben Hossein 1995, Mesbah Al-Shia Va Mesbah Al-Sharia, Qom: Imam Al-Sadegh Foundation (AS.)
- Payandeh, Abu al-Qasim. 2013, Nahj Al-Fasaha, translated by Kazem Abedini Motlagh, Qom: Nedaye Doost.
- Jorjani, Ali Ibn Muhammad. 1411 AH, Definitions, vol. 1, Cairo: Bina.
- Horr Ameli, Muhammad bin Hassan. 1985, Vasaal Al-Shiya, translator: Ali Sehat, Tehran: Nass.
- Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Muhammad. 1953, Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran, Tehran: Bina.
- Rey Shahri, Mohammad 2005, Mizan al-Hakama, fifth edition, no place: Dar al-Hadith.
- Sobhani Tabrizi, Ja'far. 2006, A Guide to Truth, Tehran: Mashar
- Sharif al-Razi, Muhammad ibn Husayn. 1414 AH, Nahj al-Balaghah, Qom: Hejrat.
- Sheikh Saduq. 1997, Al-Amali, sixth edition, Tehran: Ketabchi.
- Tabarasi, Ali Ben Hassan. 1979, Al-Bayan Assembly, translated and written by Ali Kazemi, Tehran: Farahani.
- Tarihi, Fakhruddin Ibn Muhammad. 1983, Al-Bahrain Assembly, Tehran: Bina.
- Tayyib, Abdul Hussein 1999, Atib al-Bayyan Fi Tafsir al-Quran, Tehran: Islamic Publications.
- Askari, Seyed Morteza. 2016, Merat Al-Oghul, Tehran: Islamic Bookstore.
- Amid, Hassan. 1979, Dictionary of Amid, Tehran: Amirkabir Publications.
- Qaraati, Mohsen 2004, Tafsir Noor, Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran.
- Gharash, Ali Akbar, 1975, Dictionary of the Qur'an, Tehran: Bina.
- Qashiri, Abdul Karim Ibn Hawazan. 1408 AH, Al-Rasalah al-Qashiriyah, vol 1. Maruf Zarigh and Ali Abdolhamid Boltaji, Beirut: Bina
- Kashi, Abdul Razzaq 2000, Lataef al-'lam Fi Esharat Ahl al-Ilham, vol. 1, Majid Hadi Zadeh, Tehran: Bina.
- Kelini Muhammad Ben Yaghub. 2011, Usul al-Kafi, translated by Abbas Hajjani Dashti, Qom: Moeod Islam.
- Majlesi, Mohammad Baqir bin Mohammad Taqiyya, Bita, Bihar Al-Anwar, Tehran: Bina.
- Mazaheri Ali Akbar. 2009, From the top of the sky, Qom: Parsayan.
- Maghrizi, Ahmad Ibn Ali 2009, Emta Al-Asma Bema Lelnabi Sali Allah Alayhe Va Salam Men Al-Ahval Va Al-Amval, Beirut: Dar al-Kitab.
- Makarem Shirazi, Nasser. 2003, Selected Sample Interpretation, Tehran: Islamic Bookstore.
- Mousavi Garmaroudi, Seyed Mohammad Sadiq. 2001, Ashura Persian Dictionary, Tehran: Bina
- Naraghi, Ahmad Ben Mohammad Mahdi, 1983, Meraj Al-Saadat, Mashhad: Nedaye Islam
- Naraghi, Mahdi Ben Abizar, 2015, Jame'at al-Saadat, translated by Karim Feizi, Qom: Qaem Al-Muhammad (PBUH).

Praised Grief from the Perspective of Islam in Verses and Hadiths

Mohammad Alivand

Master of History and Philosophy of Education, Tendency of Islamic Education

Abstract

Accurate explanation of the limits of grief is one of the necessities of Islamic society that has an important role in the health of soul and inner of human being, and this fact makes the research necessary for it. The main issue of the research is the study of praised grief from the perspective of Islam according to verses and hadiths. In the Holy Quran, grief and its derivatives are used 42 times. This research has been conducted in a descriptive-analytical method and in the use of research tool in a library research method and it intends to express the types of grief in different areas in terms of verses and hadiths while studying the issue of recognizing grief. In the Quran and narrations, grief is recommended regarding spiritual matters, especially prayer and litany and weeping for the calamity of the Ahl al-Bayt, infallibility and purity (PBUH), and the remembrance of the Hereafter and it is considered as the purity of heart and it creates a state in man together with grief from which we interpret it as refreshing.

Keywords: leasant grief Compatible grief Hereafter grief Divine satisfaction.